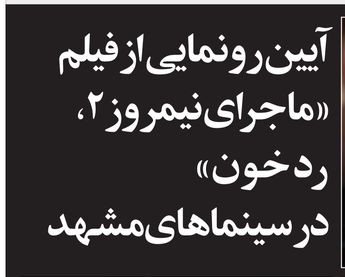

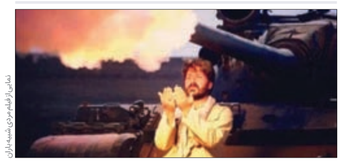

تدارک برای نمایشگاه بیست‌ویکم

نخستین نشست برنامه‌ریزی برای نمایشگاه کتاب امسال مشهد برگزار شد

فراسو

گروه ادبیات و اندیشه| پاییز برای کتاب‌خوان‌های مشهدی می‌تواند فصلی خاص در میان فصول باشد، بهار برپایی نمایشگاه سالانه کتاب مشهد. فصلی که معمولا میانه آن با رویداد مدنظر جلوه ویژه‌ای پیدا می‌کند؛ البته اگر چند و چون این اتفاق مطلوب کتاب‌خوان‌ها باشد. این طور که به گوش می‌رسد، بهار کتاب مشهدی‌ها در خزان امسال، احتمالا نیمه نخست آبان خواهد بود و در این فرصت باقی مانده، مسئولان باید تلاش بسزایی به خرج دهند تا بتوانند با خروجی مطلوب، مخاطبان را راضی نگه دارند. برای برنامه‌ریزی این رویداد که بیست‌ویکمین نمایشگاه کتاب مشهد مقدس خواهد بود، شورای مربوط در اداره کل فرهنگ و ارشاد استان نشستی برگزار کرده است که در آن نمایندگان نهادهای دست‌اندرکار -شهرداری و ارشاد و آموزش و پرورش و نمایشگاه بین‌المللی مشهد و...- حضور داشته‌اند.

در این نشست که نخستین جلسه برنامه‌ریزی نمایشگاه بیست‌ویکم بوده است، درباره تدارک دیدن چند برنامه ویژه صحبت شده است. همچنین ایده‌پردازی و نظریه‌پردازی بر پایه بیانیه گام دوم انقلاب، اولویت‌بخشیدن کیفیت نمایشگاه بر تعدد ناشران شرکت‌کننده و تأکید بر حضور حداکثری ناشران فاخر و تأثیرگذاری که می‌توانند رضایت مخاطبان نمایشگاه را جلب کنند، افزایش نشست‌های نخبگانی، اختصاص غرفه‌ای به کتاب‌های زیارت و درنظر گرفتن بخش ویژه زیارت و مشهد، حضور نشرهای دیجیتال، تقویت برنامه‌های فرهنگی دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه، حضور نمادین صنعت چاپ و آموزش‌های عمومی فرایندهای چاپ کتاب، آموزش عمومی تبدیل ایده به کتاب و جز این‌ها، از موضوعاتی بوده است که به آن پرداخته شده است و احتمالا در جریان برگزاری نمایشگاه بیست‌ویکم کتاب مشهد لحاظ خواهد شد.

طبق گفته‌های میزبان این نشست، مدیرکل ارشاد خراسان رضوی، نمایشگاه سال گذشته با ۱۰۰ رویداد فرهنگی هنری مانند برپایی سرای اهل قلم، برگزاری نشست‌های آکادمیک و گفت‌وگویی و ارائه آموزش‌های فرهنگی و هنری همراه بوده است، حال باید دید امسال چه اتفاق برجسته‌ای در این برنامه مهم عرصه کتاب خواهد افتاد و چه برتری‌هایی را در مقایسه با گذشته شاهد خواهیم بود. آیا برگزارکنندگان موفق خواهند شد ناشران بزرگی را که بعضا به سختی به هزینه کردن برای حضور در نمایشگاه‌های شهرستان‌ها و به جان خریدن مشکلات مربوط راضی می‌شوند، مجاب کنند که در نمایشگاه کتاب مشهد غرفه بگیرند؟ آیا می‌توانند تمهیدی بیندیشند که در رویداد امسال تنوع خشنودکننده‌ای را در عنوان‌ها و موضوعات کتاب‌های مطرح شاهد باشیم؟ آیا راهکاری وجود دارد که نمایندگان ناشران معتبر، غالب کتاب‌های موردتقاضایی را که نشر داده‌اند، به این نمایشگاه بیاورند؟ و اساسا آیا برنامه‌های جانبی آن قدر اهمیت و جذابیت دارد که جایگاه نمایشگاه را در نگاه مخاطبان فراتر از یک فروشگاه بزرگ کتاب ببرد؟ این‌ها و پرسش‌های دیگری از این دست، مسائلی است که باید در نشست‌های بعدی برنامه‌ریزی برای نمایشگاه بیست‌ویکم کتاب مشهد مورد توجه جدی قرار بگیرد.

توصیه‌های ویلیام فاکنر

رضوانی| نویسنده برنده نوبل و ۲ جایزه پولیتزر قطعا می‌تواند حرف‌های مهم و شایان توجهی درباره راه و روش نوشتن داشته باشد. همچنین تجربه او نیز می‌تواند برای علاقه‌مندان به نویسندگی جذاب و خواندنی باشد. ویلیام فاکنر (۲۵ سپتامبر ۱۸۹۷-۱۹۶۲م)، خالق رمان‌های «خشم و هیاهو»، «گور به گور»، «حریم» و داستان‌های کوتاهی چون «برخیز ای موسی»، «یک گل سرخ برای امیلی» و چند ده رمان و داستان کوتاه معروف و رشک‌برانگیز دیگر، حدود ۴۳سال نوشت و با انبوهی از افتخار دنیا را ترک کرد. به مناسبت زادروز او، چند توصیه‌اش را درباره نوشتن مرور می‌کنیم:

● عمل نوشتن نشان‌دهنده حرکت، فعالیت و زندگی است. هرگاه بایستید، مرده‌اید. هرگز شروع به نوشتن نخواهید کرد، تا اینکه خواندن را فرا بگیرید.

● شما برای لذت بردن می‌نویسید، برای پول. [نوشتن] باید سرگرم‌کننده و هیجان‌انگیز باشد. شاید نه به هنگام نوشتن، اما پس از آن که کار تمام شد، باید احساس شور و هیجان داشته باشید. این به معنای غره شدن نیست، پایان کاری است که انجام داده‌اید. این بدان معنی است که شما بهترین کاری را که از دستتان برمی‌آمده، انجام داده‌اید. دفعه بعد برو و بهترش کن.

● تنها قانون من این است که وقتی [کار] هنوز داغ است، رهایش می‌کنم. هیچ‌وقت خودت را از دور خارج نکن. همیشه ترک کردن کار وقتی خوب پیش می‌رود باعث می‌شود بازگشت آسان‌تر باشد. این چیزی است که گفته می‌شود، نوشتن را وقتی که خوب به نظر می‌رسد، ترک کنید.

● بهترین سن برای داستان نوشتن، ۳۵ تا ۴۵سالگی است. هنوز آتش و حرارت شما تمام نشده است و بیشتر می‌دانید. داستان نوشتن روند کندی دارد. برای شاعری بهترین سن از ۱۷ تا ۲۶سالگی است. نوشتن شعر بیشتر شبیه شلیک موشکی است که تمام آتشتان را به‌صورت متراکم در آن گذاشته‌اید.

● من [سبکم] را توسعه ندادم. فکر می‌کنم سبک یکی از ابزارهای هنر است و فکر می‌کنم هر کسی که زمان خود را بیش از حد صرف بسط و گسترش یا به دنبال کردن سبک خود کند، احتمالا به این معنی است که چیز زیادی برای گفتن ندارد.

● احتمالا هر داستانی که نشود آن را در یک جمله یا کمتر از یک پاراگراف تعریف کرد، چیز باارزشی ندارد.

● یک نویسنده به ۳چیز نیاز دارد؛ تجربه، مشاهده و تخیل. هر وقت ۲مورد از آن‌ها هم‌زمان با هم جمع شود، می‌تواند نبود سومی را جبران کند.

● بخوان بخوان بخوان. همه چیز بخوان؛ آشغال، کلاسیک‌ها، خوب و بد؛ ببین که آن‌ها را چگونه انجام داده‌اند. یک نجار پیشه خود را با مشاهده می‌آموزد. بخوان! جذبش می‌کنید. بنویس. اگر خوب باشد، متوجه خواهید شد. اگر این طور نبود، از پنجره پرتش کن بیرون.

آگهی مناقصه
موضوع: مناقصه احداث یکدستگاه پل عابر پیاده بزرگراه بابانظر
سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد مقدس در نظر دارد اجرای عملیات احداث یک دستگاه پل عابر پیاده به همراه دو دستگاه آسانسور واقع در بزرگراه بابانظر ۷۲ به متراژ ۱۱۰ متر طول شامل خرید، نصب و راه اندازی، خدمات فنی و پشتیبانی، تعمیرات و نگهداری، تامین قطعات یدکی، نگهبانی و نظافت و .... را به شرکتهای واجد شرائط واگذار نماید. لذا از کلیه شرکتهای دارای گواهینامه سطح ۸ مونتاژ آسانسور و پله برقی از وزارت صنعت و معدن و تجارت و یا سطح ۵ ابنیه و ساختمان و ثبت نام شده در سامانه تامین کنندگان شهرداری مشهد دعوت می گردد در صورت تمایل جهت دریافت اسناد مناقصه به نشانی مشهد حدفاصل بلوار وکیل آباد ۵۵ و ۵۷ پلاک ۱۱۶۵ طبقه چهارم اداره امور قراردادها و پیمانهای سازمان و یا به سامانه مناقصات و مزایدات شهرداری مشهد مراجعه نمایند. آخرین مهلت دریافت و ارائه پیشنهاد اسناد مناقصه: ساعت ۱۴:۱۵ روز شنبه ۱۳۹۸/۰۷/۱۳ - مبلغ برآورد مناقصه : ۲۴۰۰۶۵۰۲۹۰۰۱۷۸ ریال. مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۱۰۲۰۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال. متقاضیان موظف به ارائه تأییدیه ظرفیت آزاد از مراجع ذی صلاح می باشند. ضمنا ظرفیت آزاد تا روز ابلاغ قرارداد می بایست تداوم داشته باشد. جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفنهای ۶۶-۶۵ - ۳۱۲۹۸۰۴۱ تماس حاصل نمایید.
(سازمان در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار می باشد)
(هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد)
جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس سایت www.samesh.mashhad.ir مراجعه نمایید
روابط عمومی سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد

جای خالی راه‌بلد

خلأ حضور راهنمای کتاب در کتاب‌فروشی‌های مشهد احساس می‌شود

عکس تزئینی است

گفت‌وگو

خادم| «این خوبه...»، «اینم خوبه...»، «این بد نیست»، «من خیلی خوشم نیومد». این‌ها جملاتی است که برخی از کتاب‌فروش‌ها بیان می‌کنند در توصیف کتابی که مخاطب روی آن دست گذاشته است یا درباره آن راهنمایی می‌خواهد. کتاب‌فروشی تنها شباهتی که با هایپرمارکت دارد این است که مشتری می‌تواند بین قفسه‌ها و فضای آن راه برود و کالای موردنظر و پسندش را بردارد. اما چگونگی مدیریت برخی کتاب‌فروش‌ها و مواجهه آنان با کسی که به فروشگاهشان آمده، مثل این است که پشت صندوق هایپرمارکت نشسته‌اند، درصورتی که کسی که وارد کتاب‌فروشی می‌شود، با کالایی روبه‌روست که گاه هیچ‌چیز از درون و محتویات آن نمی‌داند. اینجاست که اهمیت راهنمای کتاب در کتاب‌فروشی‌ها مشخص می‌شود، کسانی که دست‌کم باید ۳ ویژگی داشته باشند؛ آن‌ها باید کتاب‌خوان، به‌روز و از بازار نشر با خبر و البته مخاطب‌شناس باشند تا بتوانند کتاب مناسب را به خریدار معرفی کنند. گزارش میدانی ما حاکی از این است که جز یک مورد، کتاب‌فروشی‌های مشهد راهنمای کتاب ندارند و در بهترین حالت، مالک کتاب‌فروشی یا همان شخصی که صندوق‌دار است، گاهی چندکلمه‌ای درباره کتاب‌ها به مشتری پاسخ یا توضیح می‌دهد که آن هم برخاسته از نظر شخصی است، نه دربردارنده اطلاعات بسزایی از محتوای کتاب. تعدادی از این افراد اصلا حوصله جواب دادن ندارند و کارشان به نگاه‌کردن پشت جلد کتاب برای گفتن قیمت و کشیدن کارت و پرسیدن رمز خلاصه می‌شود. آنچه در ادامه می‌آید گزارشی است از سرزدن به چند کتاب‌فروشی شهر و با محوریت همین موضوع.

● **راهنمای کتاب بودن در دوره مدرن کاری تخصصی است**

با او مشغول صحبت در مورد رمانی هستیم که مرد جوانی با ۲ کتاب پیش می‌آید. صحبتش که با ما تمام می‌شود، مشتری دیگر با تردید از او درباره کتاب‌هایی می‌پرسد که برداشته است. راهنمای کتاب شروع می‌کند به توضیح دادن، کمی از فضای کتاب می‌گوید و در مجموع در حرف‌هایش چیزی نیست که نشان از این داشته باشد که بخواهد مشتری را راضی به خرید و دلگرم به انتخابش کند. البته از حرف‌هایش می‌شود به راحتی متوجه شد که سلیقه شخصی‌اش در توضیحاتی که می‌دهد دخیل است، اما وقتی همراه با استدلال توضیح می‌دهد، می‌شود به او اعتماد کرد و همین می‌شود که مرد جوان کتاب‌ها را به قفسه‌ای که از آنجا برداشته است برمی‌گرداند و می‌گردد تا کتاب دیگری پیدا کند که مناسبش باشد.

از راهنمای کتاب در مورد کارش می‌پرسیم، می‌گوید: اگر این را بپذیریم که در جامعه مدرن کارها بسیار تخصصی شده است، می‌توانیم به راهنمای کتاب هم به عنوان متخصص نگاه کنیم و مانند هر تخصصی، برای اینکه کسی راهنمای کتاب خوبی شود باید سال‌ها تلاش کند. مهم‌ترین بخش این تلاش هم با مطالعه مداوم و سرک کشیدن به دنیای کتاب به دست می‌آید و کار یک روز و ۲ روز نیست. بعد از آن هم مدام باید به‌روز باشی و در جریان تازه‌های نشر و کتاب‌هایی که بازنشر می‌شوند. در کنار این ویژگی‌ها اگر چند سالی با کتاب‌خوان‌ها سر و کار داشته یا در کتاب‌فروشی کار کرده باشی، می‌توانی کتاب مناسب و خوبی به مشتری معرفی کنی.

معرفی کتاب می‌تواند تیغی دودم باشد. اگر کتابی ضعیف باشد یا مناسب مخاطب نباشد، می‌تواند او را از مطالعه دل‌زده کند یا برعکس معرفی کتاب خوب می‌تواند در ایجاد اشتیاق به مطالعه کمک کند. راهنمای کتاب نیز با تأیید این موضوع خاطره‌ای از یکی از مشتری‌های فروشگاه را به‌یاد می‌آورد: اوایل کارم بود که روزی یک‌نفر آمد و گفت رمانی می‌خواهد با فضایی متفاوت. چندرمان به او پیشنهاد کردم و در موردشان توضیح دادم، در نهایت به این نتیجه رسید که «خشم و هیاهو»ی فاکنر را ببرد. البته علاقه شخصی من به فاکنر و این رمان باعث شده بود بهتر و با هیجان بیشتری نسبت به گزینه‌های دیگر آن را معرفی کنم و همین هم در انتخاب آن مشتری تأثیر گذاشت. اما او چند روز بعد آمد و با دل‌خوری گفت که چیزی از این کتاب نمی‌فهمد و تمامش حرف‌های بی‌سروته است و آدم موقع خواندنش انگار دارد معما حل می‌کند! دل‌خور شده بود و کمی هم به رمان‌های خارجی بدبین. من آن زمان کم‌تجربه بودم و نتوانستم تشخیص مناسبی بدهم. اما بعد به مرور فهمیدم که برای معرفی کتابِ مناسبِ مخاطب، مهم نیست که منِ چه کتاب‌هایی خوانده‌ام، مهم این است که او تاحالا چه آثاری خوانده، با چه کتاب‌هایی بیشتر ارتباط برقرار کرده است و نویسندگان مورد علاقه‌اش چه کسانی هستند.

هم‌صحبت ما اذعان می‌کند که سلیقه شخصی در معرفی کتاب تأثیرگذار است، اما با به دست آوردن تجربه می‌توانی وجه احساسی را که برخاسته از میل شخصی است، کم‌رنگ کنی و کتاب‌ها را با توجه به نیاز و وضع مخاطبت معرفی کنی، نه بر اساس آنچه خودت می‌پسندی. او البته این را هم اضافه می‌کند که کسانی هم هستند که سلیقه راهنمای کتاب را می‌پسندند و اصرار دارند او کتاب‌های مورد علاقه خودش را معرفی کند.

● **پول استخدام راهنمای کتاب نداریم**

در کتاب‌فروشی دیگری که سابقه‌ای نسبتا طولانی هم دارد، فروشنده سعی می‌کند نقش راهنمای کتاب را نیز ایفا کند و به مشتری در مورد کتاب‌ها یا سؤال‌هایی که می‌کند، توضیح دهد. از او در مورد جدیدترین کتابی که خوانده و به نظرش خوب بوده است می‌پرسیم. می‌گوید: ما که صبح تا شب در مغازه‌ایم، برای همین تازگی‌ها وقت نکرده‌ام کتاب بخوانم. مدام باید مشتری‌ها را راه بیندازیم و نمی‌شود تمرکز کرد.

از او می‌خواهیم رمانی به ما معرفی کند. بعد از کمی مکث کتابی را معرفی می‌کند که در دسته کتاب‌های عامه‌پسند جای می‌گیرد. او بدون اینکه وقت و حوصله سروکله زدن با مشتری را داشته باشد، به مخاطبی که شناختی از سلیقه ادبی او ندارد و تلاشی هم برای به دست آوردنش نکرده است، کتابی را با اتکا به عددی که گوشه سمت راست بالای جلد کتاب خورده و نشان‌دهنده چاپ چندم آن است، معرفی می‌کند.

وقتی می‌خواهیم کتابی فلسفی معرفی کند، مِن‌مِن کنان با نگاه قفسه را نشان می‌دهد و می‌گوید: آنجا گذاشته‌ایم، خودتان ببینید.

می‌پرسیم چرا راهنمای کتاب استخدام نمی‌کند و او از پایین بودن سطح درآمد گله می‌کند و می‌افزاید: کتاب آن‌قدر سود ندارد که بتوانیم حقوق یک نفر را به عنوان راهنمای کتاب بدهیم. ما هم آن‌قدر مشتری نداریم که نیاز باشد نیرو بگیریم، خودم سعی می‌کنم کار مشتری را راه بیندازم.

او در پاسخ به این پرسش که چطور مشتری‌هایش را راهنمایی می‌کند به نکته‌ای اشاره می‌کند که جای تأمل دارد: بیشترین فروش رمان‌های ما همین کتاب‌های عامه‌پسند است. اصلا گاهی اگر کتاب عمیق معرفی کنی مشتری می‌رود و دیگر نمی‌آید، چون فهم آثار عمیق سخت است؛ بنابراین همین کتاب‌ها بیشتر مشتری جذب می‌کند.

● **سرگیجه در قفسه‌های کتاب‌فروشی**

کتاب‌فروشی تقریبا بزرگی است. لای قفسه‌های کتاب را سیر می‌کنیم. قفسه‌هایی که زِهدان هزاران صفحه کتاب است. می‌شود دست برد لای تفکرات یک فیلسوف یا نظریه‌های یک روان‌شناس. می‌شود عطش خوانده‌شدن شعر شاعری را لبیک گفت یا در رویدادهای زاده‌شده از تخیل نویسنده‌ای زندگی کرد. فقط باید انتخاب کرد. اما گاه حضور در چنین حجمی سرگیجه‌آور است. هزارتویی است که گاه لازم است یک راه‌بلد در گوشَت تقلبی برساند برای یافتن مسیر درست. از فروشنده می‌خواهیم کتابی معرفی کند. ۲ رمان ایرانی تازه‌منتشرشده می‌دهد دستمان. از فضا و محتوای آن‌ها که می‌پرسیم چیز زیادی برای گفتن ندارد. چند رمان اسم و رسم‌دار دیگر معرفی می‌کند.

می‌رویم سراغ قفسه کتاب‌های حوزه علوم انسانی، سراغ فلسفه و جامعه‌شناسی. چند کتاب پیشنهاد می‌کند و از توضیحاتی که می‌دهد همان‌قدر بر اطلاعاتمان اضافه می‌شود که اگر نام کتاب یا توضیح چندخطی پشت آن را می‌خواندیم. کتابی را می‌دهد و می‌گوید: این خوب است... . کتاب به اندازه مسافری در کوپه قطار آشناست. تلاشمان برای اینکه بیشتر از عنوان آن توضیحی بدهد بی‌فایده است. کتاب دیگری از لای کتاب‌ها درمی‌آورد و می‌گوید: از این هم خیلی خوشم آمد. کتاب خوبی است.

نمی‌شود با اتکا به خوش آمدن معرفی که او را نمی‌شناسی ریسک کنی و کتاب را بخری، مگر اینکه مستأصل باشی و قصدت فقط «خریددرمانی» باشد!

گاهی ترجیحت این است که برای پیداکردن کتاب مورد نظرت سرت را بکنی توی دنیای مجازی و از آنجا کمک بگیری. هرچند آنجا در مورد همه کتاب‌ها نمی‌شود مطلب دندان‌گیری پیدا کرد و به تعدادی از مطالب هم اصلا نمی‌شود اطمینان کرد، چون به سفارش ناشر نوشته می‌شود یا در سایت خود ناشر بارگذاری شده است. چاره چیست؟ شاید هر کتاب‌فروشی به یک راهنمای کتاب بی‌طرف و آگاه نیاز داشته باشد تا مشتری‌ها کتاب‌های بهتر را با سرگیجه کمتر انتخاب کنند.

پوریا مرتضایی، مدرس ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد:

عجین شدن مسائل سیاسی در تصمیم‌های فرهنگی و حمایت نشدن شاعران از سوی ناشران، از علل اصلی کم‌رنگ‌شدن حضور شاعران در محافل ادبی و کم‌رونقی شعر در مشهد است.

نماشهر

غفوریان - حسنی | شهرآرا

آیین رونمایی از فیلم «ماجرای نیمروز ۲، ردخون» در سینماهای مشهد

ماجرای دیروزِ «ماجرای نیمروز»

جدیدترین اثر محمد حسین مهدویان یک روز زودتر از سراسر کشور با حضور عوامل این فیلم و استقبال گسترده مردم در مشهد اکران شد

گزارش روز

غلامرضا زوزنی| این دومین فیلم از ۱۰فیلم پرسروصدای سی‌وهفتمین دوره جشنواره فجر است که در مشهد رونمایی می‌شود. در اولین اتفاق، «قسم»، ساخته محسن تنابنده، در سینماهای مشهد رونمایی شد و در دومین رویداد، «ماجرای نیمروز ۲، رد خون» به کارگردانی محمدحسین مهدویان و به تهیه‌کنندگی سینماگر مشهدی، سیدمحمود رضوی، شب گذشته رونمایی شد. در این مراسم که یک روز پیش‌تر از اکران عمومی این فیلم در سینماهای کشور و هم‌زمان با هفته دفاع مقدس در مشهد برگزار شد، جواد عزتی، هادی حجازی‌فر و بهنوش طباطبایی از بازیگران این فیلم، و محمود رضوی تهیه‌کننده فیلم، حضور داشتند. سینماهای هویزه، اطلس و ویلاژتوریست، سه سینمایی بودند که عوامل فیلم «ماجرای نیمروز، رد خون» در آن‌ها حضور پیدا کردند و همراه علاقه‌مندان مشهدی سینما به تماشای این فیلم نشستند.

● **داستانی سینمایی از ماجرایی واقعی**

«ماجرای نیمروز ۲، رد خون»، از معدود فیلم‌هایی است که به ماجرای عملیات مرصاد یا «فروغ جاویدان» که درمیان رزمندگان اسلام به دروغ جاویدان مشهور شد، می‌پردازد. کمتر از یک هفته بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل در سال ۱۳۶۷ توسط دو کشور جمهوری‌اسلامی ایران و عراق، مجاهدین خلق (گروهک منافقین) با حمایت صدام‌حسین به ایران حمله کردند و قطعنامه را زیر پا گذاشتند. در آن عملیات که فرماندهی نیروهای ایرانی برعهده شهید صیادشیرازی بود، افراد باقی‌مانده از منافقینِ متخاصم با تلفات زیاد مجبور به عقب‌نشینی شدند. رد خون، ادامه ماجرای نیمروز است و تعدادی از شخصیت‌های کلیدی فیلم دوم، از فیلم اول آمده‌اند. کمال (با بازی هادی حجازی‌فر)، صادق (با بازی جواد عزتی)، عباس (با بازی حسین مهری) و مسعود (با بازی مهدی زمین‌پرداز) ازجمله شخصیت‌هایی هستند که از ماجرای نیمروز یک به دو آمده و یک ماجرای دراماتیک را رقم زده‌اند.

● **ماجرا در فجر**

«ماجرای نیمروز ۲، رد خون» موفق شد در بخش سودای سیمرغ جشنواره فیلم فجر در ۱۱رشته نامزد شود که از این میان سیمرغ بلورین بهترین صداگذاری، بهترین طراحی لباس و بهترین جلوه‌های ویژه میدانی را از آن خود کرد. سیدمحمود رضوی، محمدحسین مهدویان، بهنوش طباطبایی، جواد عزتی، هادی بهروز، محمد نجاریان، شهرام خلج و سینا قویدل هرکدام به‌ترتیب برای بخش‌های بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین بازیگر نقش اول زن، بهترین بازیگر نقش مکمل مرد، بهترین فیلم‌برداری، بهترین تدوین، بهترین چهره‌پردازی و بهترین جلوه‌های ویژه بصری، نامزد دریافت سیمرغ بودند اما هیچ‌کدام موفق به دریافت این جایزه نشدند، با این حال «رد خون» درمیان پنج فیلم برتر از نگاه تماشاگران، در این دوره از جشنواره قرار داشت.

● **با عشق به مشهد می‌آییم**

برخلاف دیگر اکران‌های مردمی که پیش از این در مشهد برگزار می‌شد، علاقه‌مندان سینمادوست مشهدی به‌جای اینکه جلوی در ورودی سینماهویزه منتظر عوامل فیلم «ماجرای نیمروز ۲: رد خون» باشند، روی صندلی‌های سالن اصلی و سالن شماره ۲ سینماهویزه نشسته بودند و همین موضوع موجب شده بود تا راهروهای سینما خلوت‌تر از سایر اکران‌های مرسوم در مشهد باشد، با این حال هرچه ساعت پیش می‌رفت و لحظه حضور میهمانان سینمایی مشهد نزدیک‌تر می‌شد، بر تعداد افراد حاضر در راهروها و لابی هویزه افزوده می‌شد. بهنوش طباطبایی در جمع مخاطبانی که برای دیدن این فیلم به سینما آمده بودند، از حضور خود در مشهد ابراز خرسندی کرد و گفت: شما مردم مشهد یک قطب مهم در سینما هستید و همواره فیلم‌ها را حمایت می‌کنید. ما هم با عشق برای قدردانی از شما به مشهد می‌آییم: «باور دارم مخاطبان این فیلم، مردم فهیمی هستند و این برای من ارزشمند است.»

جواد عزتی هم که به‌گفته خودش از اکران مردمی فیلم تازه‌اش در مشهد هیجان‌زده بود، از مخاطبان مشهدی خواست از ماجرای نیمروز حمایت کنند. همچنین هادی حجازی‌فر که همراه پسرش به این سفر آمده بود، مراحل تولید «ماجرای نیمروز ۲: ردخون» را سخت توصیف کرد: «تولید این فیلم سخت بود و ما همه این سختی‌ها را برای مخاطبان به جان خریدیم تا یک فیلم ارزشمند بسازیم. به‌نظرم تا فیلم‌ها مخاطب نداشته باشند، ارزشی ندارند.»

بازیگران «ماجرای نیمروز ۲: رد خون» پس از صحبت با مخاطبان حاضر در دو سالن اصلی هویزه به جمع علاقه‌مندانی که برای گرفتن عکس یادگاری با آنان صف بسته بودند، پیوستند.

● **در حاشیه نیمروز**

ظاهرا دست‌اندرکاران سینماهای مشهد که میزبان اکران‌های مردمی هستند، تا چشمشان به یکی، دوتا بازیگر مشهور می‌افتد، به کلی همه همشهریانشان را که باعث رونق کسب‌وکارشان هستند، از یاد می‌برند و با آن‌ها با ترش‌رویی برخورد می‌کنند. خبرنگارها هم از این قاعده مستثنی نیستند. مانند همین اکران «ماجرای نیمروز» دیروز که مسئولان سینماهویزه خبرنگار شهرآرا را با اینکه خودش را با کارت خبرنگاری معرفی کرده بود، از محل استقرار عکاسان و خبرنگاران بیرون کردند.

دست‌اندرکاران سینماویلاژتوریست هم که تنور حضور بازیگران سرشناسی چون جواد عزتی، هادی حجازی‌فر و بهنوش بختیاری را گرم دیدند، در واپسین ساعات حضور عوامل فیلم «ماجرای نیمروز ۲» تصمیم گرفتند نشست خبری برگزار کنند که بنا به شنیده‌ها با واکنش اعتراضی عوامل این فیلم سینمایی روبه‌رو شدند.

به ابتکار دست‌اندرکاران سینمااطلس، هادی حجازی‌فر با محمدحسین مهدویان که برای ساخت فیلم جدیدش در بانه به سر می‌برد، تلفنی تماس گرفت و او با علاقه‌مندان مشهدی حاضر در سینمااطلس صحبت کرد. در این تماس مهدویان از اینکه افتتاحیه هر ۴فیلم سینمایی‌اش در مشهد برگزار شده، احساس خرسندی و غرور و از اینکه نتوانسته بود در مشهد حضور پیدا کند، ابراز ناراحتی کرد.

تماشاخانه

دغدغه‌های یک نمایش اجتماعی

«درخت سخن‌گو» از ۸مهر روی صحنه می‌رود

نگار رادا| «درخت سخن‌گو» نام نمایش جدیدی است که ۸مهر اجرایش را در سالن هلال‌احمر مشهد آغاز خواهد کرد؛ یک نمایش اجتماعی به کارگردانی رسول مجردکاهانی و نویسندگی رامین رمضانیان. هم‌زمان با نزدیک شدن به آغاز اجراهای این نمایش، گروه تئاتر «درخت سخن‌گو» یک نشست خبری را با حضور عوامل این نمایش ترتیب دادند و درباره موضوع نمایش به بحث و گفت‌وگو پرداختند.

● **تئاتر اشک‌ها و لبخندها**

به‌گفته کارگردان نمایش «درخت سخن‌گو»، این تئاتر، اثری مفهومی و روان‌شناسانه است که بر لزوم حرف زدن زوج‌های جوان با یکدیگر تاکید می‌کند: «این روزها مشکل زوج‌های جوان این است که به‌جای صحبت کردن با یکدیگر، با افراد دیگری درباره مشکلاتشان صحبت می‌کنند. ما در نمایشمان سعی کردیم این نگاه را عوض کنیم و به فرهنگ زندگی زناشویی بپردازیم.» به‌گفته مجردکاهانی، مخاطبان در تئاتر «درخت سخن‌گو» با اشک‌ها و لبخندها و دعواها و آشتی‌ها روبه‌رو می‌شوند و می‌توانند نظاره‌گر اتفاقاتی باشند که بارها در زندگی هرکدامشان رخ داده است. این کارگردان مدعی است که تئاترش می‌تواند راه‌حلی برای این اتفاقات تکراری که در زندگی زوج‌ها رخ می‌دهد، ارائه دهد: «تئاتر دریچه‌ای برای آموزش و یادگیری نیز هست، از این‌رو من سعی کردم در این اثر به اندازه خودم در پیام‌رسانی زندگانی دخیل باشم.»

● **درهای بسته سالن اصلی تئاترشهر**

در این نشست، مجردکاهانی به سوالی درباره دلایل اجرای نمایش «درخت سخن‌گو» در سالن هلال‌احمر به‌جای سالن اصلی تئاترشهر پاسخ داد: «در ابتدا قرار بود ما به مدت ۳۰شب در سالن اصلی تئاتر شهر روی صحنه برویم اما مسئولان مربوط اعلام کردند که این سالن درحال تعمیر است، بنابراین اجرای ما به سالن هلال‌احمر منتقل شد.» این کارگردان که بحث تعمیر سالن اصلی را باور نداشت، صحبت‌هایش را این‌گونه ادامه داد: «من حاضر بودم خودم بنایی سالن اصلی تئاتر شهر را انجام دهم تا زودتر تعمیر آن تمام شود؛ چون هر زمان من می‌خواهم در این سالن اجرا کنم، سالن تعمیرات دارد.» او از حمایت نشدن گروه‌های تئاتر نیز ابراز ناراحتی کرد و با کنایه گفت: حمایت‌ها خیلی خوب است و مسئولان آن‌قدر حمایت می‌کنند که ما دوست داریم ساعت‌ها پشت در بسته اتاق آن‌ها بایستیم و برای دیدارشان انتظار بکشیم. مجردکاهانی همچنین از روی صحنه رفتن نمایش «درخت سخن‌گو» در شهرهایی چون شیراز، بندرعباس و تهران خبر داد.

● **درخواست حمایت از همشهری‌ها**

در ادامه، سیدعلی موسوی، از بازیگران نمایش «درخت سخن‌گو»، توضیح داد: این کار یک نمایش ساده نیست و می‌تواند بر زندگی افرادی که به تماشایش می‌نشینند، تاثیر مثبت بگذارد، همان‌طور که در این مدت بر زندگی خود من تاثیر گذاشته است.

او به مظلوم بودم هنرمندان و تئاتر شهر مشهد اشاره و از مردم این شهر درخواست کرد که از هنرمندان و تئاتر شهرشان حمایت کنند. این بازیگر همچنین از همکارانش خواست تا نگاهشان را از گیشه بردارند و هدفمندتر آثار خود را تولید کنند.

رامین رمضانیان، نویسنده و بازیگر «درخت سخن‌گو»، نیز در این نشست از اهمیت حرف زدن در خانواده‌ها و لزوم تغییر نحوه ارتباطات و صحبت‌ها گفت و زوج‌های جوان را به دیدن این نمایش تشویق کرد.

● **فرار از روزمرگی**

به گفته نازی غم‌خوار، دیگر بازیگر «درخت سخن‌گو»، این نمایش به مسائلی چون چگونه صحبت کردن و نحوه فرار از روزمرگی می‌پردازد. او دلیل پیوستن به این گروه نمایشی را نیز متن پربار و جذاب و پر از راه‌حل نمایش برای زندگی زوج‌های جوان دانست. در این جلسه سجاد روح‌بخش، مشاور اجرایی نمایش که تجربه بازیگری نیز در کارنامه هنری خود دارد، به وضعیت نه‌چندان خوب بازیگران مشهدی اشاره کرد و از روی آوردن برخی بازیگرهای مشهدی به کارهای اینستاگرامی که پایین‌ترین سطح کاری ممکن برای یک بازیگر است، گفت.

روح‌بخش از مسئولان خواست تا به وضعیت بازیگران رسیدگی کنند. نمایش «درخت سخن‌گو» از ۸ تا ۱۸مهر هر شب ساعت ۱۹ در سالن نمایش جمعیت هلال‌احمر واقع در میدان ده‌دی روی صحنه خواهد رفت.

علیرضا خمسه:

اگر کمدی رویکرد انتقادی نداشته باشد، از معنی و اصالتش خارج می‌شود. همچنین در جامعه‌ای که سوءتفاهم پررنگ است، کمتر شاهد کمدی خوب خواهیم بود.

یادیاران بر پیشانی شهر

شهرداری مشهد با اقدامات فرهنگی گوناگون به استقبال هفته دفاع مقدس رفته است

هنر شهری

گروه هنر| به‌مناسبت هفته دفاع مقدس و گرامیداشت یاد شهدای هشت سال جنگ تحمیلی، ۲۰مجموعه از قاب‌های ساخته‌شده از تصاویر شهدای شاخص مشهد در میادین اصلی شهر جانمایی و نیز ۱۰۰ تخته‌نوشته با مضامین ایثار و شهادت و هزار پرچم بیرقی در خطوط بی‌آرتی منتهی به حرم مطهر نصب شد.

همچنین هم‌زمان با نصب نقش برجسته تصویر شهیدکاوه در ایستگاه متروی شهیدکاوه، برافراشتن هزارو ۵۰۰پرچم ایران به‌صورت آویز ستونی در نقاط مختلف شهر و همچنین اجرای هزارو ۳۰مترمربع نقاشی‌دیواری با تصاویر شهیدچمران، شهید فرامرزعباسی، شهید شکری، شهید عبادیان و شهید خوش‌سیما در معابری که به نام این شهیدان نام‌گذاری شده است، در دستورکار معاونت فرهنگی شهرداری است.

معاونت اجتماعی و مشارکت‌های سازمان اجتماعی‌فرهنگی شهرداری مشهد نیز با تدارک ویژه‌برنامه‌های متنوع به‌مناسبت هفته دفاع مقدس به استقبال این ایام در مناطق سیزده‌گانه مشهد رفته‌است. دیدار با خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگر و اجرای برنامه‌های حمایتی از تشکل‌های مذهبی و مساجد در سطح مناطق سیزده‌گانه مشهد، ازجمله برنامه‌های این معاونت در هفته دفاع مقدس است. همچنین مجموعه عکس‌های دفاع مقدس و حضرت امام‌خمینی(ره)، اثر علی کاوه، به‌صورت آماده اکران برای نگارخانه‌ها و تشکل‌های متقاضی، آماده‌سازی شده است.

● **برنامه‌های فرهنگ‌سرای پایداری**

فرهنگ‌سرای پایداری نیز ویژه‌برنامه‌های «کاروان مقاومت»، «شب شعر معراج»، «واژه‌های تسبیح»، «شب خاطره» و «تور ویژه کودکان» را برای شهروندان برگزار می‌کند.

همچنین به مدت یک هفته از ساعت ۱۶ تا اذان مغرب، هنرمندان تئاتر و گروه‌های هنرهای نمایشی با یک دستگاه خودرو مینی‌بوس در شهر مشهد به گردش می‌پردازند و با توقف در مناطق پرتردد، به اجرای نمایش، سرود و پخش نواهای دفاع مقدس برای شهروندان می‌پردازند.

«شب شعر معراج» از دیگر برنامه‌هایی است که فرهنگ‌سرای پایداری به‌مناسبت بزرگداشت هفته دفاع مقدس، روز ششم مهر در معراج شهدای مشهد برگزار می‌کند. در این برنامه، شاعران مختلف آثار خود را با موضوع دفاع مقدس ارائه خواهند کرد.

ویژه‌برنامه «واژه‌های تسبیح» نیز با محوریت نقش زنان در دوران دفاع مقدس و وظایف آن‌ها در شرایط کنونی، با مشارکت فرهنگ‌سرای پایداری، تشکل‌ها و فعالان دفاع مقدس ویژه بانوان و خانواده‌ها، هفتم مهر از ساعت ۹ تا ۱۱ در رواق حضرت زهرا(س) برگزار خواهد شد.

● **برگزاری تور کودک**

باتوجه‌به تقارن هفته دفاع مقدس با بازگشایی مدارس، تور ویژه کودکان برای دانش‌آموزان ۷ تا ۱۰سال با هدف آشنایی آن‌ها با فرهنگ و ارزش‌های دفاع مقدس درقالب اجرای برنامه‌های فرهنگی، هنری و مسابقات، از دوم مهر به مدت یک هفته در معراج شهدای مشهد برگزار می‌شود.

در برنامه «شب خاطره» که با حضور رزمندگان دوران دفاع مقدس و شهروندان در پردیس سینمایی ویلاژتوریست برگزار می‌شود، از رزمندگان دعوت شده است تا خاطرات خود را از رشادت‌های این دوران برای مردم روایت کنند؛ در انتهای برنامه نیز فیلم «ماجرای نیمروز ۲» برای حاضران پخش خواهد شد. این برنامه با مشارکت معاونت اجتماعی و مشارکت‌های سازمان اجتماعی‌وفرهنگی شهرداری برگزار می‌شود.

جای رزمندگان خراسانی در هنر هفتم خالی است

نمایی از فیلم مردی شبیه باران

زندگی با سینما

سبزه‌قبا| «واقعیت»، گمشده سینمایی است که آن را با ژانر جنگ یا دفاع مقدس می‌شناسیم. نمی‌توان انتظار داشت با یک فیلم سینمایی تمام واقعیت‌ها و زوایای شخصیتی فردی مانند محمود کاوه یا افرادی همانند او به تصویر کشیده شود. به‌جا گذاشتن یک اثر فاخر برای نسل‌های بعد از جنگ، نیازمند تولید یک اثر فاخر است؛ اثری که ریشه در واقعیت داشته باشد و شاخ و برگش پر باشد از جزئیات دیدنی و شنیدنی یک اسطوره. در همه این سال‌های بعد از جنگ اما سینمای موسوم به دفاع مقدس در شهر و دیاری همچون مشهد و خراسان، بی‌آنکه بخواهد اسطوره‌هایش را به ثبت برساند، برای حیات خود دست‌وپا زده است. «مردی شبیه باران» سعید سهیلی در این میان، اثری دیدنی و ماندگار بود که بیشتر از این، کشش نیافت و تکرار نشد.

تقریبا سینمای دفاع مقدس در استان خراسان رضوی و مشهد که یک قطب فرماندهی و رزمندگی در جنگ بوده و لشکری همچون لشکر پیروز ۷۷ امام‌رضا(ع) را داشته که لقب «پیروز» را از امام‌خمینی دریافت کرده است، با وجود همه مدعیانی که در فیلم‌سازی دارد، نتوانسته است هیچ جایی در سینمای دفاع مقدس برای سردارانش باز کند.

هرچند فعالیت‌های سینمایی جواد اردکانی، فیلم‌ساز مشهدی، در سال‌های اخیر گامی در این مسیر بوده، کاستی‌هایی نیز داشته است. او به فاصله یک سال (حدفاصل ۸۷ تا ۸۸) دو فیلم سینمایی برای دو شخصیت مهم و اسطوره‌ای خراسانی و مشهدی دفاع مقدس ساخته که بعد از گذشت تنها یک دهه، تقریبا هیچ نام‌ونشانی از آن‌ها به‌جا نمانده است. «شور شیرین» فیلمی درباره شهید محمود کاوه و «به کبودی یاس» فیلمی درباره شهید برونسی دو فیلمی بودند که می‌توانستند با دقت و همت همگانی در مشهد و استان به دو اثر ماندگار تبدیل شوند ولی این دو فیلم به قدری در درام، ضعیف و در تصویر، کم‌جذابیت هستند که نه‌تنها کسی مایل نیست آن‌ها را دوباره ببیند، بلکه هنوز هیچ فیلم‌سازی رغبت نکرده است به طرف فیلم‌سازی برای شخصیت‌های مهم و تاثیرگذار دفاع مقدس در خراسان برود.

انگار اردکانی خودش را دربرابر جان‌فشانی‌های سرداران شهید خراسان، موظف می‌داند و عهد بسته است با هر کیفیتی برای آن‌ها فیلم یا سریال بسازد، همچنان که او در سریالی به نام «نوشدارو» با هنرمندی بازیگران خراسانی، برای زنده نگه‌داشتن یاد شهید محمدتقی رضوی تلاش کرده است.

غفلت سینماگران و سریال‌سازان خراسانی و حمایت‌کننده‌های آن‌ها منحصر به نخبه‌های دفاع مقدس نمی‌شود و همان‌طور که بارها گفته شده است، جای همه مفاخر و مشاهیر خراسانی در سینما و تلویزیون خالی است و این نشان از ناکارآمدی سیستم و سازمان هنری استان و شهرمان دارد.